

بررسی تحلیلی عوامل زمینه ساز حکمروایی خوب، نمونه مطالعاتی: شهر بندرترکمن

محمد اجزاء شکوهی، دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

مصطفی ایستگلدی*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

چکیده:

پژوهش حاضر در پی تحلیل عوامل زمینه ساز الگوی حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن می باشد. فرآیند تحقیق در دو مرحله توصیف و تبیین به آن جام رسید. در مرحله اول با رویکرد کارکردی، وضعیت موجود حکمروایی خوب از طریق چهار شاخص کلی مشارکت، قانونمداری، شفافیت و پاسخگویی توصیف می شد. مرحله دوم این وضع موجود با رویکرد ساختاری از طریق سه شاخص کلی اعتماد اجتماعی (نهادی و عمومی)، کنش غیر ابزاری و نگرش انتقادی با توجه به نظریه کنش ارتباطی مورد تبیین قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه ایی در دو سطح شهروندان (۳۸۴ نمونه) و کارکنان شهرداری (۲۱ نمونه) تدوین گردید. نتایج نشان می دهد که وضع موجود حکمروایی در شهر بندرترکمن نامطلوب می باشد؛ که این امر به خاطر مهیا نبودن بسترهای لازمه عقلانیت ارتباطی در فضای شهری بندرترکمن در قالب روابط دو سویه شهروندان با شهرداری می باشد. در بین عوامل سازنده عقلانیت ارتباطی، متغیر اعتماد اجتماعی (نهادی و عمومی) دارای بالاترین ارتباط و تأثیرگذاری با کیفیت برقرای حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن بوده است. همچنین نتایج نشان می دهد که شیوه اداره شهر بندرترکمن با خصوصیات دروان ماقبل مدرن و فضای ارتباطی در این شهر با خصوصیات دوران موسوم به مدرنیته یا سرمایه داری متأخر به زعم هابرماس، انطباق دارد در حالی که حکمروایی خوب محصول فرآیندهایی دوران مدرن است. این عدم انطباق، مانعی مهم در زمینه به کارگیری رهیافت حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن می باشد.

واژگان کلیدی:

حکمروایی خوب، توسعه، کنش ارتباطی، عقلانیت ارتباطی، بندرترکمن.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مکان‌هایی که همواره، محلّ مطرح شدن و آزمایش آرای توسعه بوده، شهرها می‌باشند و اندیشمندان عرصه توسعه همواره به دنبال دستیابی به توسعه شهرها از طریق نظریاتشان بوده‌اند. چرا که، با پیش‌بینی استقرار بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها تا سال ۲۰۲۰ میلادی، جهان در حال تبدیل به جهانی شهری است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۵). جهانی شهری در دنیای در حال توسعه امروزه با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو می‌باشد. چرا که، جریان شهرنشینی در جوامع در حال توسعه به جای تحقق آرمان‌های نوگرایانه‌ای مثل دارایی و رفاه، گسترش فقر را نیز به همراه دارد. در چالش با این مشکلات، دولت‌های ملی و محلی جنوب مشروعیت و کارآمدی چندانی ندارند. سرمایه انسانی و اقتصادی خردمایه در کنار ساختارهای اداره امور مطلقه و مشارکت‌گریز به افزایش دامنه مسایل شهری آن جامیده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۲: ۵۳). جهت برون رفت از این بحران، جامعه جهانی، به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست. بلکه، پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶). با شرایط جدید و همچنین با ظهور نهضت‌های اجتماعی گسترده، تکثیر شکل‌های جدید سازمان اجتماعی و تقاضا برای افزایش مشارکت سیاسی منجر به نوعی دموکراتیک‌سازی گسترده در رژیم‌های اقتدارگرا در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی گردید. همچنین نوعی گذار از نقش ساختارهای رسمی و حکومت‌ها به عنوان محور تصمیم‌گیری به نقش جامعه مدنی در اعمال حقوق دموکراتیک و آن‌جام وظایف روی داد. به گونه‌ای که، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی رویکرد مدیریت شهری دولت مدار به رویکرد حکمروایی شهری تحوّل یافت (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۲۵). گفتمان حکمروایی، عنصر ذاتی همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی و همچنین بین دولت و شهروندان است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو دارد که در واقع پاسخی به ناامیدی و دلزدگی از شکست‌های مشهود دولت رفاه، در فراهم آوردن مؤثرتر و کارآتر کالاها و خدمات عمومی است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱). با مطرح شدن الگوی حکمروایی خوب شهری طی دهه‌های اخیر، دولت‌ها به ویژه در جهان در حال توسعه، به تجویز این شیوه مدیریتی در سطوح مختلف حکومتی کشورشان (سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی) پرداختند (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲). با تأثیرپذیری از این جریان‌ات، مفاهیم شهروندی و حکمروایی خوب، چند سالی است که در کشور مطرح شده است. با این وجود، بستر مناسبی برای اجرای اصول حکمروایی خوب، چه از طرف دولت و چه از طرف مردم وجود ندارد (یعنی واگذاری برخی اختیارات به سطح محلی) (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۳۷). و با وجود تأکیدات بسیار هنوز نحوه مدیریت و اداره شهرهای کشور به صورت حکمرانی و نه حکمروایی قرار دارد و نشان می‌دهد مسیر پژوهش‌ها می‌باید در جهت شناسایی عوامل زمینه ساز رویکرد حکمروایی خوب قرار گیرند. چرا که، امروزه همه به مزایای این رویکرد در اداره و مدیریت شهرها واقف می‌باشند و مسأله مهم‌تر چگونگی پیاده‌سازی آن می‌باشد. پژوهش حاضر نیز در این راستا سعی در شناسایی، عوامل زمینه ساز پیاده‌سازی الگوی حکمروایی خوب شهری در مدیریت شهرهای کشور دارد و در این راه از نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس و عقلانیت ارتباطی مورد تأکید وی استفاده می‌کند. دلیل انتخاب نظریه مذکور به این خاطر است که در پژوهش حاضر برداشت از حکمروایی خوب، نوعی رابطه متعالی میان دولت و شهروندان می‌باشد که از طریق توزیع قدرت سبب انتقال معنای سهیم‌شدگی در اداره شهرها به شهروندان گشته و سبب مشارکت آنها در امور شهری

می‌گردد. در واقع حکمروایی خوب را نوعی رابطه میان دولت و شهروندان می‌داند (Sheng, 2010 : 134). رابطه‌ایی که در پی فراهم آوردن محیطی است که در آن شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه داشته باشند، بدون آن که حقوق دیگران را نقض کنند (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). همچنین با توجه به تعریف فضای شهری به عنوان مکان تعامل و تجسم کالبدی گفت و گوی نیروها و نیز الگوی حکمروایی خوب به عنوان رهیافت زمینه ساز امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) به طور آزادانه می‌توان به نقش و اهمیت مقوله ارتباط در این دو مفهوم پی برد. با این تفسیرها تحقیق حاضر زمینه و بستر اصلی پیاده سازی الگوی حکمروایی خوب را در کیفیت رابطه و ارتباط میان دو رکن اصلی شهر (شهروندان و دولت) می‌داند و به دنبال این موضوع است که آیا کیفیت رابطه میان آنها متعالی می‌باشد یا خیر؟ و ملاک و معیار این متعالی بودن رابطه را نیز از منظر نظریه کنش ارتباطی مورد سنجش قرار می‌دهد و ارتباطاتی با خصلت عقلانیت و به تعبیر هابرماس تحریف نشده را ارتباطاتی متعالی قلمداد می‌کند که می‌تواند سبب محقق شدن الگوی حکمروایی خوب گردد. شهر بندرترکمن نیز در این پژوهش به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب گشته است. لزوم بررسی عوامل زمینه ساز حکمروایی خوب در منطقه مورد مطالعه نیز بسیار مهم می‌باشد. چرا که، مسأله نحوه اداره و مدیریت در این شهر به علت قرار داشتن در مرز و قومیت ترکمن ساکن در آن، مهم می‌باشد و کیفیت آن می‌تواند سبب اعتماد نهادی و دولتی بیشتر ساکنین این شهر و در نتیجه انسجام و وفاق ملی گردد.

روش پژوهش و چهارچوب انتخاب شاخص

پژوهش حاضر در دو مرحله توصیف و تبیین به آن جام رسید. در مرحله اول وضع موجود منطقه مورد مطالعه در زمینه حکمروایی خوب، با رویکرد کارکردی شناسایی می‌گردید. در مرحله دوم و با فرض این که رویکرد حکمروایی خوب در منطقه مورد مطالعه (شهر بندرترکمن) فاقد بسترهای لازمه جهت اجرا می‌باشد به تبیین عوامل زمینه ساز با رویکرد ساختاری پرداخت. در این راستا از نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی مورد نظر یورگن هابرماس به عنوان خاستگاه نظری استفاده می‌گردید. همچنین در مرحله تبیین از آزمون همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. منطقه مورد مطالعه شهر بندرترکمن است. جامعه آماری شامل سرپرستان خانوار می‌باشد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و جمعیت سال ۱۳۹۰ شهر بندرترکمن (۴۸۷۳۶ نفر)، تعداد ۳۸۴ نمونه انتخاب گشته است. پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش نیز در دو سطح شهروندان شهر بندرترکمن (۳۸۴ پرسشنامه) و کارکنان شهرداری و اعضای شورای شهر بندرترکمن (۳۱ پرسشنامه) تکمیل گشته است. روش برآورد حجم نمونه شهروندان شهر بندرترکمن بر اساس فرمول کوکران به شرح زیر است:

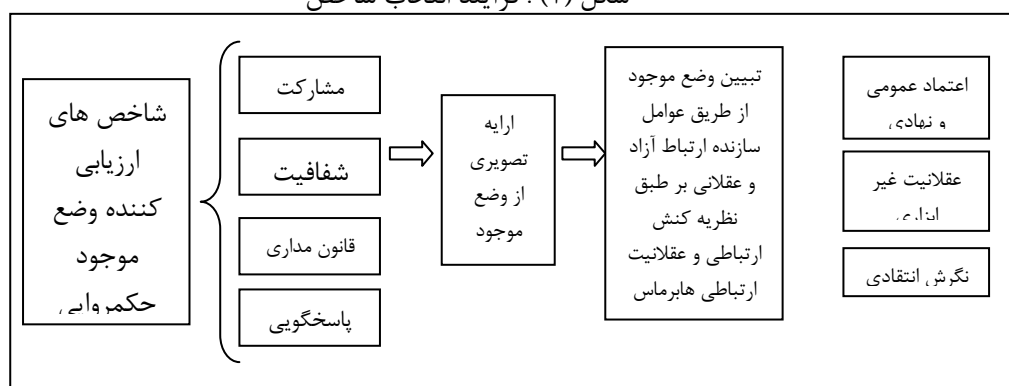
$$t = 1/96, d = 0/05, p = 0/85, N = 1/243 \longrightarrow n = 384$$

مبنای انتخاب شاخص‌ها نیز به این صورت است که پژوهش حاضر حکمروایی خوب شهری را در قالب گفتمان دو سویه دولت^۱ و شهروند مورد بررسی قرار داده و حکمروایی را یک نوع رابطه و تعامل بین دولت (شهرداری) و شهروندان در نظر می‌گیرد. فرآیند انتخاب شاخص نیز به این صورت است

^۱ - در پژوهش حاضر منظور از دولت، دولت محلی یا همان شهرداری می‌باشد.

که برای مرحله اول توصیف و تعیین جایگاه حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن (در کجا قرار داریم؟) از چهار شاخص مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی و شفافیت اطلاعات استفاده می‌گردد. و در مرحله تبیین این چگونگی وضع موجود از نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی یورگن هابرماس استفاده می‌گردد که بر روی رابطه آزاد (دموکراتیک) و به دور از شرایط تحمیلی تأکید دارد. در این مرحله سعی گشته از شاخص هایی که شکل دهنده این رابطه آزاد بین دولت (شهرداری) و شهروندان است استفاده گردد^۱. البته موارد زیادی را می‌توان به عنوان عوامل شکل گیری این رابطه آزاد تلقی نمود. ولی در پژوهش حاضر این عوامل از طریق سه شاخص اصلی اعتماد (عمومی و نهادی)، عقلانیت و کنش غیر ابزاری و نگرش انتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فرآیند به شرح شکل (۱) می‌باشد.

شکل (۱): فرآیند انتخاب شاخص



(منبع: مطالعات نگارندگان)

فرضیات تحقیق

در راستای اهداف و مسئله مورد نظر سه فرضیه به شرح زیر تدوین شد.
 فرضیه اول: به نظر می‌رسد حکمروایی خوب شهری در شهر بندرترکمن وضعیت خوبی ندارد و فاقد بستری لازم جهت اجرا می‌باشد.
 فرضیه دوم: به نظر می‌رسد عوامل سازنده عقلانیت ارتباطی (اعتماد اجتماعی، عقلانیت غیر ابزاری و نگرش انتقادی) به عنوان زمینه‌ساز برقراری الگوی حکمروایی خوب، در شهر بندرترکمن، فراهم نمی‌باشد.
 فرضیه سوم: به نظر می‌رسد در بین عوامل سازنده عقلانیت ارتباطی (اعتماد اجتماعی، عقلانیت غیر ابزاری و نگرش انتقادی)، متغیر اعتماد اجتماعی دارای بیشترین ارتباط و تأثیرگذاری بر کیفیت برقراری حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن باشد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه در تحقیق حاضر شهر بندرترکمن می‌باشد. این شهر در ساحل جنوب شرقی دریای خزر و در جلگه پست و هموار گرگان در حدود ۴۰ کیلومتری شمال غربی مرکز استان گلستان (گرگان)

^۱ شاخص های مزبور با تامل بر عوامل سازنده کنش و عقلانیت ارتباطی انتخاب گشته است.

واقع شده است و دارای مختصات ۵۴ درجه و ۴ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی می‌باشد (جعفری، ۱۳۶۸:۱۱۴). این شهر از جمله شهرهای نوینباد در شمال کشور است. که با آغاز دوره رضاشاه، به عنوان پایانه شمالی خط آهن سراسری در نظر گرفته شد؛ مکمل آن بندر امام خمینی (شاهپور) در ساحل خلیج فارس است. از آن جا که بنیاد و برپایی این شهر به دستور رضاخان صورت گرفته بود تا زمان انقلاب اسلامی، بندرشاه نامیده می‌شد و بعد از آن طی تصویب نامه شماره ۵۵۲۷۴ مورخ ۱۳۵۸/۶/۲ دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور به بندرترکمن تغییر نام یافت (شفقی و دیگران، ۱۳۸۳: ۹-۱۱). امروزه نیز به عنوان مرکز شهرستان بندرترکمن با داشتن ۴۸۷۳۶ نفر جمعیت چهارمین شهر استان گلستان می‌باشد.

مبانی نظری

حکمروایی خوب (مفهوم و هدف) :

دستیابی به توسعه و بالندگی جوامع در هر دوره زمانی از طریق نظریات و پارادایم های خاصی پیگیری می‌شود و در هر دوره، با مفاهیم گوناگونی هدف‌گذاری می‌گردد و در قالب یک الگوی کلی درصدد دستیابی به آن می‌باشند. این الگوها عبارت انداز الگوهایی مانند الگوی رشد (دهه ۵۰ میلادی)، الگوی باز توزیع منابع یا الگوی ساختارگرا (دهه ۶۰ میلادی)، الگوی تامین نیازهای اساسی (دهه ۷۰ میلادی)، الگوی توسعه پایدار (دهه ۸۰ به بعد). جدای از تمایزات مفهومی و کارکردی هر یک از الگوهای فوق، آن چه که قابل تأکید است مرز میان الگوی جدید و قدیم، جایگزینی محوریت انسان در این الگوها به جای محوریت فناوری در دهه‌های گذشته است (علوی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۱). در برداشت جدید از توسعه استدلال می‌شود که نه فقط رشد اقتصادی و تولید ثروت، حتی توزیع عادلانه ثروت نیز به تنهایی تأمین کننده زمینه رفاه و خوشبختی انسان ها و فراهم کننده توسعه در جوامع بشری نیست (نوبخت، ۱۳۸۸: ۳۸)؛ و تنها با تأکید بر افزایش راندمان و رشد اقتصادی، نمی‌توان توسعه همه جانبه را رقم زد (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۵). یکی از مواردی که در زمینه توسعه جوامع مورد توجه قرار گرفت مقوله اداره جوامع و نحوه ارتباط اداره کنندگان (حاکمان، دولت) با مردم بوده است. به طوری که بانک جهانی نیز در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی - شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان - موضوع محوری توسعه است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). آقای کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل متحد نیز یک بار اعلام کرد که حکمروایی خوب برای حفاظت و پشتیبانی از حقوق شهروندان و پیشرفت اقتصادی و توسعه اجتماعی، حیاتی است (Waheduzzaman & Mphande, 2012: 2). در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نیز جامعه جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست. بلکه، پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶). با این تفسیرها بود که مفهوم حکمروایی از دهه ۱۹۸۰ وارد متون جامعه شناسی سیاسی و اداره امر محلی شد و دلالت بر موضوع یا محتوایی قدیمی درباره رابطه قدرت و جامعه داشت که ایده‌های نظری آن به دوران ارسطو و افلاطون و ابعاد فلسفی طرح شده توسط آنها در زمینه حکومت و شهروندی بر می‌گردد. اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه مناسب اعمال قدرت به منظور تحقق توسعه پایدار به کار برده می‌شود (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). سنگ بنای بازساخت و

توسعه پایدار می باشد (Mafnuisa, 2004: 490). در واقع در هر جامعه ای هنگام جست و جو برای راه حل توسعه پایدار، همواره حکمروایی خوب به عنوان یک ابزار حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار مطرح می گردد و به صورت یک عنصر حیاتی در استراتژی های توسعه پایدار گنجانیده شده است (Kardos, 2012: 1166). حکمروایی محصولی انسانی می باشد؛ و به همین خاطر فعالیتت است که برای تعریف روابط و اثرات متقابل دولت و جامعه مفید است (Bhuiyan, 2011: 414). کارآمدی حکومت در این رویکرد تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۴۴). در رویکرد حکمروایی خوب، رابطه متعالی دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسئولیت ها به بازیگران محلی بازآفرینی میشود (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۴۹) و رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه ریزی توسعه شهری مدرن دارد که بیشتر مبتنی بر مالکیت خصوصی و عقلانیت ابزاری است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۶). در حکمروایی خوب تنها اصلاح دولت مد نظر نیست؛ بلکه، شامل جامعه مدنی و سرمایه نیز می باشد (Roberts et al, 2007: 968). در این هدف به یک حرکت و گذار از ساختارهای متمرکز و سلسله مراتبی به طرف یک رویکرد مشارکتی با سازمان های اجتماعی و بازیگران غیر دولتی از جمله بخش خصوصی اشاره دارد (Bull & Jones, 2006: 269)؛ یک مدل تصمیم گیری است که بر اجماع و خروجی آن که مدعی مشارکتی بودن است، تأکید دارد (Gracia, 2006: 745). همچنین در تقابل با الگوهای اداره یک طرفه (از بالا به پایین) شهرها و تعاملات یک سویه دولت با شهروندان به کنش متقابل میان سه بازیگر اصلی شهر یعنی دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی توجه دارد (ایمانی جارجمی، ۱۳۸۲: ۵۴). در این راستا بر رعایت اصولی چون مشارکت، شفافیت، قانونمداری، نظارت عدالت، کارآیی و اثر بخشی و... تأکید دارد. تا بدین وسیله بستری فراهم گردد که بازیگران مختلف شهری (دولت، شهروندان و نهادهای غیر دولتی) در تعامل با هم به اداره و توسعه شهرها بپردازند (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲)؛ تمام بازیگران عرصه شهر، در فضایی دموکرات، اعتمادزا و با روابطی انسانی در توسعه شهر نقش داشته باشند. چرا که، نباید فراموش کرد که توسعه برای مردم بوده و تنها راه تحقق آن در شرکت انسان ها و اهمیت و ارزشی است که به افکار و عقاید آنها داده می شود (ضرابی و اذانی، ۱۳۸۰: ۱۱). تعاریف مختلفی از رهیافت حکمروایی خوب توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده است. منتها اگر بخواهیم این رهیافت را به صورت ساده مورد تعریف قرار دهیم باید آن را به دو مفهوم حکمروایی و خوب، تقسیم نموده و معنای هر کدام از این مفاهیم را مورد تحلیل قرار دهیم. پیچیدگی مفهوم حکمروایی، ارائه یک تعریف ساده از آن را دچار مشکل می سازد. منتها در یک بیان ساده می توان گفت حکمروایی به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمروایی، کارآمدی حکومت تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۹۱: ۱۸۱). همچنین مفهوم خوب بودن در این رهیافت، معتقد است این رابطه بین شهروندان و حکومت می باسیتی شایسته و متعالی باشد. شاخص هایی بسیاری برای تبیین این خوب بودن تدوین گشته که از مهمترین آنها می توان به شفافیت، پاسخگویی، قانونمداری، کارآمدی و مشارکت اشاره نمود. با دقت در این شاخص ها متوجه می شویم که تمامی آنها سعی در قاعده مند نمودن ارتباط بین شهروندان و حکومت دارند. تا از بستر این قاعده مند بودن، ارتباط بین آنها، خوب، شایسته و متعالی گردد و اداره شهرها در سایه این خوب بودن، به خوبی و شایستگی صورت گیرد. به عبارت دیگر هدف حکمروایی خوب تنظیم روابط اجتماعی در بین حوزه های خصوصی و سیاسی است تا از این تنظیم محیطی فراهم گردد تا شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط

اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه، بدون آن که حقوق دیگران را نقض کنند (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸) با همدیگر و حکومت داشته باشند. تا از این طریق تمام طرف ها، گروه ها و سازمان های درگیر و مردم محل با یکدیگر همراه گردند و همه به نحوی در برنامه ریزی و مدیریت شهر و جامعه دخیل شوند (اسدی، ۱۳۸۲: ۲۷).

کنش ارتباطی زمینه ساز حکمروایی خوب

در نظریه کنش ارتباطی هابرماس با تفکیک جامعه به دو بخش، سیستم و زیست جهان، مدعی است که سیستم (دولت و بازار) جایگاه گسترش و تقویت عقلانیت ها و کنش های ابزاری و استراتژیکی است. در حالی که زیست جهان (حوزه های خصوصی و عمومی) با گسترش و تقویت عقلانیت و کنش ارتباطی پیوند پیدا می کند. به نظر هابرماس تحولات ناشی از الزامات مدرنیته و سلطه قدرت (دولت و بروکراسی) و پول (بازار) منجر به رشد فزاینده سیستم و در مقابل تضعیف و تحریف زیست جهان شده است. مخاطرات ناشی از این تحولات بروز آسیب های اجتماعی، استعمار زیست جهان و بازفئودالی شدن آن را به دنبال داشته است (نقیب زاده و نوروزی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در واقع هابرماس می گوید نظریه ای از مدرنیته را تدوین نماید. تا بتواند انواع آسیب های اجتماعی معاصر را تبیین کرده و نحوه سلطه الزامات سیستم بر حوزه های مبتنی بر ساختار ارتباطی را آشکار کند؛ تا شاید بتوان از این طریق، تناقضات را شناسایی، رفع یا بازسازی کرد (عالم و پورپاشا، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در این راستا وی اعتقاد دارد که پروژه مدرنیته به دلیل توجه صرف به عقلانیت ابزاری و نادیده گرفتن عقلانیت ارتباطی، از مسیر اصلی منحرف شده است. راه حلی که او ارائه می دهد، عقلانیت ارتباطی است که در آن، به دنبال راهی برای خروج از بحران عقلانیت در مدرنیته است. از این رو، او بین دو نوع کنش معقول و هدفدار و ارتباطی تمایز قایل می شود (عباسپور، ۱۳۹۰: ۳۷). او تمایز میان کنش معقول و هدفدار با کنش ارتباطی را مورد توجه قرار می دهد. هدف کنش هدفدار دستیابی به یک هدف است. در حالی که، هدف کنش ارتباطی دستیابی به تفاهم ارتباطی است. کنش معقول و هدفدار در پی جلب منفعت است که به منافع یک سو یا به راجع است. در حالی که، کنش ارتباطی به دنبال منافع تعمیم پذیر آدم هاست که ارزش های مشترک براساس این کنش ها شکل می گیرد. بدین ترتیب، کنش ارتباطی در مقابل کنش راهبردی قرار می گیرد؛ که براساس آن، کنشگر نه درصدد رسیدن به منافع یک جانبه (کنش راهبردی) که در جست و جوی رسیدن به تفاهم است. بنابراین، کنش ارتباطی صرفاً یک عمل گفتاری نیست. بلکه، شیوه ای برای بازآفرینی جامعه است (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵: ۱۵). در کنش ارتباطی، شرکت کنندگان بر همکاری و همیاری خود می افزایند و دیگر، محاسبات خشک و ریاضی وار و فشار سنت های از پیش موجود در میان نیست بلکه افراد با گفتمان سعی دارند تا راههایی برای توافق برگزینند (علیخواه، ۱۳۷۸: ۱۱۹). نقطه پایان فراگرد مورد نظر هابرماس، یک جامعه عقلانی است. عقلانیت به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می کنند و به طور کلی در کنش ارتباطی، افکار آزادانه ارائه می شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. طی این دو نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می یابد (عباسپور، ۱۳۹۰: ۳۷). هابرماس در مورد جامعه به دنبال گونه ای جامعه آرمانی است که هدف آن ایجاد کلیت انسانی به دور از تقسیم بندی های صوری و جزمی طبقه، نژاد و غیره است. جامعه ای که در آن مباحثه و گفت و گوی آزاد تحقق می یابد. به زعم وی سعادت انسانی را باید در جامعه جست و جو کرد که در آن انسان ها بتوانند به دور از هر گونه

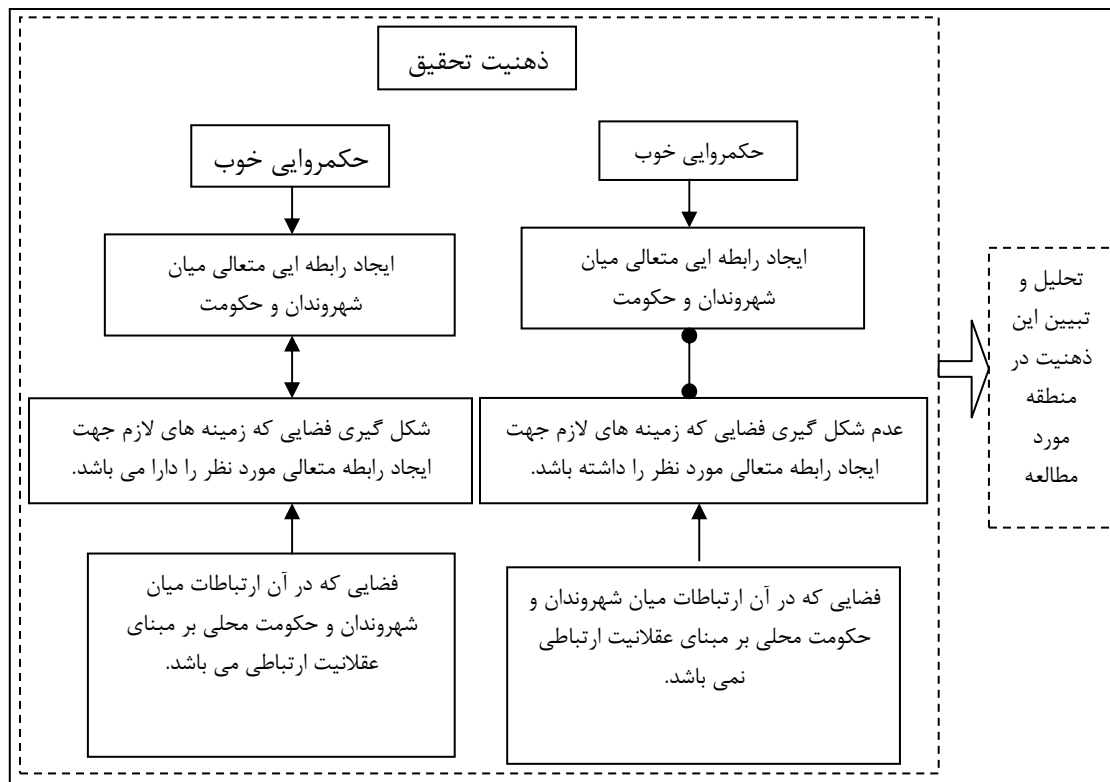
اجبار، اضطراب و هراس از امکان بحث آزاد برخوردار شوند (نوذری، ۱۳۸۶: ۳۶). در هر صورت نظریه کنش ارتباطی با مطرح کردن عقلانیت ارتباطی، مشخصه قابل سنجشی برای کیفیت گفتمان ها و توسعه یافتگی حوزه عمومی و جامعه معرفی کرده است و به این ترتیب به عنوان یک نظریه توسعه قابلیت کاربردی و بومی شدن دارد (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵: ۲۱). به زبان یورگن هابرماس، باید راهی اندیشیده شود که انواع عقلانیت ابزاری که به طور معمول در قانونگذاری و برنامه ریزی دولتی و از بالا بروز می کند، جای خود را به عقلانیت ارتباطی بدهد که از طریق مشارکت دموکراتیک مردم میسر می شود (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۶). در زمینه شهر و برنامه ریزی شهری نیز خصوصیت این نظریه به ظهور برنامه ریزی ارتباطی در عرصه شهرسازی آن جامیده است. برنامه ریزی ارتباطی موافق دیدگاه برنامه ریزی از پایین به بالاست و مشارکت جدی شهروندان را در سطح تصمیم گیری ضروری می داند (محمدی ماکرانی، ۱۳۸۶: ۲۳). هابرماس با ارایه نظریه ارتباطی تصریح کرد که اساس برنامه ریزی موثر و موفق بر شیوه های ارتباطی مبتنی است و پیش نیاز تحقق ارتباط سازنده، آن است که عقلانیت ابزاری یا رویکرد فنی - ابزاری که به عنوان تنها استدلال در برنامه ریزی عقلایی گرایی استفاده می شود، کنار گذاشته شود و دامنه وسیع تری از استدلال ها شامل: استدلال فنی - ابزاری، استدلال اخلاقی و استدلال احساسی که همان تجربه حسی مردم از محیط اطراف است مورد توجه قرار گیرد (افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳: ۳). در واقع می توانیم بگوییم از آن جا که فضاهای شهری متعلق به عرصه عمومی شهروندان است که بایستی آزادانه در آن حضور به هم رسانند و یکی از دغدغه های توسعه پایدار نیز تعامل با عرصه عمومی است، این کنش ارتباطی و پارادایم گفتمانی می تواند برخی از معضلات فکری را پاسخ گوید (سلطانی و نامداریان، ۱۳۹۰: ۱۰). با توجه به آنچه گفته شد متوجه می شویم که یکی از مفاهیم اصلی در نظریه کنش ارتباطی، مقوله ارتباط است. ارتباطی که به قول هابرماس باید با ویژگی عقلانیت ارتباطی آراسته گردد تا فضایی را به وجود آورد برای این که شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه با یکدیگر و حکومت داشته باشند. با دقت در این تفسیرها مشخص می گردد که در صورت شکل گیری چنین فضایی، بسترهای لازم برای پیاده سازی رهیافت حکمروایی خوب نیز فراهم می گردد. چرا که، همان طور که ذکر گشت، رهیافت حکمروایی خوب به دنبال متعالی نمودن رابطه و ارتباط بین شهروندان و حکومت می باشد، حال این رابطه متعالی در فضایی که ارتباطات از جنس کنش های ارتباطی باشند، فرصت و زمینه بهتری جهت عینیت یافتن پیدا خواهد کرد. موارد فوق نشان می دهد که آراسته شدن فضای ارتباطات بین بازیگران جامعه به کنش و عقلانیت ارتباطی، می تواند زمینه را برای اجرایی شدن رهیافت حکمروایی خوب فراهم گرداند. چرا که رویکرد حکمروایی خوب، به دنبال رابطه متعالی میان دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسئولیت ها به بازیگران محلی می باشد (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۴۹).

مدل مفهومی تحقیق

پژوهش حاضر در پی بررسی و شناسایی بسترهای لازمه الگوی حکمروایی خوب در شهرها می باشد و در این راستا از نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس به عنوان خاستگاه نظری استفاده می کند. این پژوهش سعی دارد شناسایی این بسترهای لازمه را از طریق این مبنای نظری مورد تحلیل و تبیین قرار دهد و بر این ذهنیت تأکید دارد که مکان و فضایی که ارکان و بازیگران اصلی آن در روابط و ارتباطاتشان بر کنش های ارتباطی معتقد هستند، می تواند در جهت تحقق هدف رهیافت حکمروایی خوب که همانا برقراری رابطه ای

متعالی میان شهروندان و حکومت می باشد، زمینه های لازم را فراهم نماید. با این ذهنیت، فضای ارتباطات میان شهروندان و حکومت محلی منطقه مورد مطالعه (شهر بندرترکمن) مورد تحلیل قرار می گیرد. تا مشخص می گردد، این ارتباطات می تواند زمینه های لازم را برای تحقق رهیافت حکمروایی خوب، فراهم گرداند یا خیر؟ فرآیند مورد نظر به شرح شکل (۲) می باشد.

شکل (۲): مدل مفهومی تحقیق



(منبع: مطالعات نگارندگان)

یافته های تحقیق

مطالب این قسمت در دو قسمت توصیف و تبیین ارایه می گردد.

توصیف وضع موجود حکمروایی خوب در منطقه مورد مطالعه

در این قسمت اطلاعات حاصل از پرسشنامه ها جهت ترسیم وضع موجود الگوی حکمروایی مطلوب در شهر بندرترکمن مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه مورد نظر برای دو جامعه آماری کارکنان شهرداری و شهروندان بندرترکمن طراحی شد. همچنین جواب ها در پرسشنامه به صورت طیف پنج گزینه ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) طراحی شده است. که در بررسی های آماری به هر کدام از این جوابها به ترتیب مقادیر (۵، ۴، ۳، ۲، ۱) داده شده و از جوابهای نمونه ها میانگین گرفته شده و میزان (۲/۵) به عنوان حد متوسط انتخاب گشته و میانگین های کم تر از آن به عنوان وضعیت نامناسب و بالعکس منظور گشته است. در زمینه تعریف متغیر و گویه برای مفهوم حکمروایی خوب در پرسشنامه از چهار اصل و بعد این مفهوم یعنی (مشارکت، شفافیت، قانونمداری و مسئولیت و پاسخگویی) استفاده شده است. اطلاعات حاصل به شرح جدول (۱) می باشد.

جدول (۱): وضع موجود شاخص های حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن

شهروندان			کارکنان شهرداری					
میانگین	شاخص	عامل	الگو	میانگین	شاخص	عامل	الگو	
۲/۳	اعتماد عمومی	مشارکت	حکروایی خوب	۲/۳	اعتماد عمومی	مشارکت	حکروایی خوب	
۱/۹	اعتماد نهادی			۲/۲۵	اعتماد نهادی			
۲/۲	داشتن روحیه مشارکت پذیری			۲/۲	اعتماد به شهروندان			
۲/۱۳	میانگین مجموع			۲	اعتقاد به مشارکت شهروندان			
				۲/۱۸	میانگین مجموع			
۲/۲	اعتقاد به نفس قانونهای شهری	قانون مداری		۲/۶	اعتقاد به نفس قانون های شهری	قانون مداری		
۱/۹	اعتقاد به قانون مداری مسئولان امور شهری			۲/۲۵	اعتقاد به قانون مداری شهروندان			
۲/۰۵	میانگین مجموع			۳/۱	اعتقاد به قانون مداری سازمان			
				۲/۶	میانگین مجموع			
۱/۶	اطلاع رسانی در مورد طرح های شهری	شفافیت		۲/۲	اطلاع رسانی در مورد طرح های شهری	شفافیت		
۱/۲	اطلاع رسانی در مورد قراردادهای و مناقصه های طرح ها			۲/۱	اطلاع رسانی در مورد قراردادها و مناقصه های طرح ها			
۱/۴	میانگین مجموع			۲	نظرخواهی از شهروندان در مورد طرح های شهری			
				۲/۱	میانگین مجموع			
۱/۷	استفاده از انتقادات شهروندان	مسئولیت و پاسخ گوئی		۳/۵	احساس مسئولیت در قبال توسعه شهر	مسئولیت و پاسخ گوئی		
۱/۵	احساس مسئولیت مسئولین			۲/۸	پیگیری حضوری مسئولین جهت حل مشکلات			
۱/۶	پیگیری حضوری مسئولین جهت حل مشکلات		۲/۴	ارایه نظرات توسط شهروندان به مسئولین				
۱/۶	میانگین مجموع		۲/۲	تسهیلات و تسهیلات خاص جهت رسیدگی و پیگیری نظرات شهروندان				
			۲/۱	برگزاری جلسات منظم در ادارات جهت پاسخگویی به شهروندان				
۱/۸	میانگین کلی چهار عامل		۲/۶	میانگین مجموع		۲/۳۷	میانگین کلی چهار عامل	

(منبع: مطالعات نگارندگان)

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که اصول چهارگانه مورد تأکید در الگوی حکمروایی خوب یعنی مشارکت، قانونمداری، شفافیت و مسئولیت هم در شهرداری و هم در بین شهروندان بندرترکمن وضعیت مناسبی را دارا نمی باشند. به طوری که میانگین کلی شاخص های چهار عامل فوق در شهرداری (۲/۳۷) و در بین شهروندان (۱/۸) می باشد؛ که هر دو کم تر از حد متوسط مورد نظر (۲/۵) می باشند. در بین عوامل چهارگانه در شهرداری، عوامل مشارکت (۲/۱۸) و شفافیت (۲/۱) دارای میانگین کم تر از حد متوسط بوده و عوامل قانونمداری و مسئولیت پذیری (۲/۶) دارای میانگین بالاتر از حد متوسط می باشند. منتها وضعیت عامل های فوق در بین شهروندان همگی دارای میانگین هایی کم تر از حد متوسط می باشند؛ که در بین آنها اعتقاد به شفافیت و مسئولیت پذیری، مسئولان شهری میانگین های کم تری را دارا هستند.

تبیین وضع موجود حکمروایی خوب در منطقه مورد مطالعه :

تبیین یعنی به معنا کردن، پیچیدگی مسأله را آشکار کردن و جنبه ای از جوانب امر که مساله را نافهم کرده است، زدودن و او را معلوم و عقل پسند و عقل پذیر کردن. در تبیین دو کار مهم باید صورت بگیرد که از آن دو کم تر نمی شود : نخست این که حادثه تعلیل شود، یعنی علت وقایع گفته شود. دوم این که ارتباط بین وقایع هم نشان داده شود (صادقی و رهنما، ۱۳۹۲: ۱۷۰). در این قسمت جهت تبیین چگونگی وضع موجود حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن و شناسایی عوامل ایجاد کننده این وضعیت، بر طبق نظریه کنش ارتباطی هابرماس از سه عامل : اعتماد اجتماعی (عمومی و نهادی)، عقلانیت ابزاری و خرد دولتی که از طریق شاخص هایی، عملیاتی در پرسشنامه گنجانده شده؛ استفاده می کند. همچنین جهت آن جام دو مرحله فوق در فرآیند تبیین ابتدا وضعیت شاخص های فوق توصیف می گردد، سپس با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن ارتباط این شاخص ها با حکمروایی خوب (به عنوان متغیر وابسته) مورد سنجش قرار می گیرد و در خاتمه میزان تاثیرگذاری این شاخص ها بر حکمروایی خوب (به عنوان متغیر وابسته) از طریق تحلیل رگرسیونی بررسی می گردد. جدول (۲) این فرآیند و اطلاعات حاصل را نشان می دهد.

جدول (۲): عوامل تبیین کننده وضع موجود حکمروایی خوب

شهروندان				کارکنان شهرداری			
میانگین	شاخص	عامل	الگو	میانگین	شاخص	عامل	الگو
۱/۹	نهادی	اعتماد	تبیین وضع موجود حکمروایی خوب در قالب گفتگویی دو سویه بر طبق عقلانیت ارتباطی و عوامل سازنده آن	۲/۲۵	نهادی	اعتماد	تبیین وضع موجود حکمروایی خوب در قالب گفتگویی دو سویه بر طبق عقلانیت ارتباطی و عوامل سازنده آن
۲/۳	عمومی	اجتماعی		۲/۳	عمومی	اجتماعی	
۱/۸	در امور شهری با وجود نبود نفع شخصی مشارکت می کنم.	عقلانیت غیر ابزاری		۲	در امور شهری با وجود نبود نفع شخصی مشارکت می کنم.	عقلانیت غیر ابزاری	
۱	این روزها کسی به دنبال منافع شخصی نمی باشد.			۱	این روزها کسی به دنبال منافع شخصی نمی باشد.		
۱	کسی در برقراری ارتباط با دیگران به دنبال نفع شخصی نمی باشد.			۱/۵	کسی در برقراری ارتباط با دیگران به دنبال نفع شخصی نمی باشد.		
۱/۲	میانگین			۱/۵	میانگین		
۱	می توان از کارفرما (مقام بالا) انتقاد نمود	نگرش انتقادی		۱	می توان از کارفرما (مقام بالا) دستي) انتقاد نمود	نگرش انتقادی	
۱/۸	در صورت انتقاد، آسیبی به جایگاه شغلی خویش وارد نمی آید.			۲	در صورت انتقاد، آسیبی به جایگاه شغلی خویش وارد نمی آید.		
۱	فضا جهت انتقاد از وضع موجود فراهم است			۱/۵	فضا جهت انتقاد از وضع موجود فراهم است.		
۱/۲	میانگین			۱/۵	میانگین		

(منبع: مطالعات نگارندگان)

اطلاعات جدول فوق را می توان در سه مقوله مورد تحلیل قرار داد:

اعتماد اجتماعی: جدول فوق نشان می دهد که میزان اعتماد عمومی هم در بین کارکنان شهرداری و هم

شهروندان بندر ترکمن پایین می باشد. همچنین اعتماد نهادی در بین شهروندان پایین تر از حد متوسط (۱/۹)

و در بین کارکنان شهرداری حالت متوسط (۲/۵) دارد و به طور کلی میزان اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی) در هر دو جامعه پایین می‌باشد. این امر می‌تواند باعث فاصله بین مسئولان شهری و شهروندان به عنوان دوسوی گفتمان در الگوی حکمروایی خوب گردد. این فاصله بر سایر ارکان این الگو نیز مانند مشارکت، شفافیت و پاسخگویی تأثیرگذار خواهد بود. به طوری که اعتماد نهادی پایین شهروندان باعث تردید در مسئولیت پذیری مسئولان شهری گشته و همچنین سبب تمایل کم آنها جهت مشارکت در پروژه‌های شهری می‌گردد. همچنین عدم اعتماد کارکنان شهرداری به مشارکت شهروندان سبب عدم استفاده از نظرات آنها در اداره شهر می‌گردد و اعتماد نهادی پایین آنها نیز سبب عدم جدیت و مسئولیت پذیری در پیگیری امور محوله می‌شود. مواردی که بر طبق جدول (۱) در ارتباط شهروندان با شهرداری اتفاق افتاده است و وجود این فاصله و فضای بی‌اعتمادی را نشان می‌دهد.

عقلانیت غیر ابزاری: اطلاعات نشان می‌دهد که عقلانیت غیر ابزاری در بین کارکنان شهرداری (۱/۵) و شهروندان (۱/۲) بندترکم بسیار پایینتر از حد متوسط می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که هر دو گروه اعتقادی به عقلانیت غیر ابزاری در روابط و ارتباطات ندارند و معتقدند که همه در ارتباطات خویش به دنبال دستیابی به هدف و منفعت خاصی می‌باشند و ارتباطات خویش را بر پایه این امر سازماندهی می‌کنند. این خصیصه عاملی تهدید کننده در شکل‌گیری حکمروایی خوب به عنوان یک ارتباط سالم بوده و آن را تحریف خواهد کرد.

نگرش انتقادی: مشخصه عقلانیت ارتباطی، انتقاد عقلانی یعنی به بوته نقد درآوردن موضوعات عمومی و قابل مباحثه و با استفاده از توان عقلانی است. (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵: ۲۰). به نظر هارماس بزرگ ترین و مهم ترین اختلاف عقلانیت غرب با دیگر عقلانیت‌ها در مقوله نقادی است (مک ایتایر، ۱۳۸۱: ۵۶۲-۵۶۵). اطلاعات نشان می‌دهد که نگرش انتقادی در بین کارکنان شهرداری و شهروندان بسیار پایین می‌باشد و موید این نکته است که محافظه کاری ناشی از خرد دولتی و عقلانیت اداری در شهرداری و همچنین در بین شهروندان در کنار عدم انتقاد پذیری مسئولان سبب گشته که فضای لازم جهت ترویج نگرش انتقادی فراهم نباشد. نبود و ضعیف بودن این نگرش سبب ادامه یافتن وضع موجود و عدم پویایی می‌گردد. نحوه ارتباط شاخص‌های فوق با حکمروایی خوب نیز بر طبق آزمون همبستگی اسپیرمن به شرح جدول (۳) می‌باشد.

جدول (۳): رابطه شاخص‌های موثر و حکمروایی خوب اساس آزمون همبستگی اسپیرمن

شاخص	ضریب همبستگی اسپیرمن	معناداری	نوع ارتباط
اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی) و حکمروایی خوب	۰/۷۴۳	۰/۰۰۰	مثبت
عقلانیت غیر ابزاری و حکمروایی خوب	۰/۶۳۲	۰/۰۰۰	مثبت
نگرش انتقادی و حکمروایی خوب	۰/۶۱۸	۰/۰۰۰	مثبت

(منبع: مطالعات نگارندگان)

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که بین شاخص‌های اشاره شده و کیفیت حکمروایی خوب به عنوان فراهم کننده یک ارتباط و گفتمان آزاد ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. به طوری که مقدار P هر سه شاخص فوق کم تر از ۰/۰۵ یعنی (۰/۰۰۰) می‌باشد و نشان دهنده رابطه معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بین شاخص‌های اعتماد اجتماعی (عمومی و نهادی)، عقلانیت غیر ابزاری و نگرش انتقادی با کیفیت برقراری

حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن وجود دارد. همچنین میزان ضرایب همبستگی در جدول نشان می دهد که در بین سه شاخص مورد اشاره، ضریب ارتباط شاخص اعتماد اجتماعی (عمومی و نهادی) با میزان (۰/۷۴۳) از دو شاخص دیگر بیشتر است. این مطلب مؤید این است که ضریب ارتباط آن با کیفیت برقراری حکمروایی خوب بالاتر از دو شاخص دیگر است. هر چند به طور کلی ضریب ارتباط هر سه شاخص با کیفیت برقراری حکمروایی خوب در حد بالایی می باشد. همچنین جهت ارتباط هر سه شاخص نیز مثبت می باشد یعنی این که با افزایش و بهبود وضعیت آنها، کیفیت برقراری حکمروایی خوب به عنوان یک گفتمان و ارتباط سالم و تحریف نشده نیز بهتر خواهد شد.

در مرحله بعد جهت مشخص کردن سهم هر کدام از سه شاخص اشاره شده (به عنوان متغیر مستقل) بر کیفیت برقراری حکمروایی خوب (به عنوان متغیر وابسته) از روش تحلیل رگرسیونی استفاده می شود. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۶۹). برای پی بردن به اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله ی رگرسیون باید از مقادیر (β) استفاده کرد. از آن جا که مقادیر بتا (β) استاندارد شده می باشند. بنابراین، از طریق آن می توان در مورد اهمیت نسبی قضاوت کرد. در واقع بزرگ بودن مقادیر بتا (β) نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می باشد (ابراهیمزاده و آقاسی زاده، ۱۳۹۰: ۱۹). به عبارت دیگر در این روش می توان از ضرایب بتا برای تعیین اهمیت نسبی یک متغیر مستقل استفاده کرد. در واقع این ضرایب نشان دهنده میزان تاثیرگذاری هر یک از متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان است (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۹).

جدول (۴): عوامل موثر بر کیفیت برقراری حکمروایی خوب بر مبنای تحلیل رگرسیونی در شهر بندرترکمن

Sig	آزمون T	β	R ²	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۲۵/۷۳	۰/۸۱	۰/۶۳	۰/۸۱	کیفیت برقراری حکمروایی خوب (گفتمانی دو سویه بین اداره کنندگان و اداره شوندگان شهر)	اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی)
۰/۰۰۰	۲۲/۷۱	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۷۲	کیفیت برقراری حکمروایی خوب (گفتمانی دو سویه بین اداره کنندگان و اداره شوندگان شهر)	کنش غیر ابزاری
۰/۰۰۰	۱۷/۴۵	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۶۲	کیفیت برقراری حکمروایی خوب (گفتمانی دو سویه بین اداره کنندگان و اداره شوندگان شهر)	نگرش انتقادی

(منبع: یافته های تحقیق)

جدول فوق نشان می دهد که بر طبق مقادیر بتا (β) در بین متغیرهای مستقل مورد نظر تحقیق، متغیر اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی) با سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته تحقیق یعنی کیفیت برقراری حکمروایی خوب داشته است. چرا که مقدار (β) آن (۰/۸۱) می باشد. بعد از اعتماد اجتماعی نیز شاخص های کنش غیر ابزاری با مقدار (β)، (۰/۷۲) و نگرش انتقادی با مقدار (β)، (۰/۶۲) به ترتیب دارای بیشترین تاثیر بر متغیر وابسته مورد نظر بوده اند.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: بر طبق جدول شماره (۱) مشخص می‌گردد که اصول چهارگانه مورد تأکید در الگوی حکمروایی خوب یعنی مشارکت، قانونمداری، شفافیت و مسئولیت در شهرداری و در بین شهروندان بندرترکمن وضعیت مناسبی را دارا نمی‌باشند. به طوری که میانگین کلی شاخص‌های چهار عامل فوق در شهرداری (۲/۳۷) و در بین شهروندان (۱/۸) می‌باشد که هر دو کم‌تر از حد متوسط مورد نظر (۲/۵) می‌باشند. این اطلاعات نشان می‌دهد که حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن وضعیت خوبی ندارد و هنوز بسترهای لازمه جهت اجرای آن فراهم نیست. چون مشارکت در بین شهروندان و شهرداری پایین است، شهروندان اعتقاد به مسئولیت‌پذیری مسئولان شهری ندارند، شفافیت در ارائه اطلاعات و استفاده از نظرات شهروندان از طرف شهرداری ضعیف است و... مجموعه این عوامل فضایی را به وجود می‌آورد که بسترهای لازمه جهت سوار شدن الگوی حکمروایی خوب را سست جلوه می‌دهد. با این تفسیرها فرضیه اول اثبات می‌گردد.

فرضیه دوم: بر طبق جدول (۲) مشخص می‌گردد که عوامل سازنده عقلانیت ارتباطی در شهر بندرترکمن وضعیت مطلوبی ندارند و همگی پایینتر از حد متوسط (۲/۵) هستند. این امر نشان می‌دهد که پایه‌های لازم جهت تقویت عقلانیت ارتباطی ضعیف می‌باشد و این ضعف تأثیرات خود را بر تمام ارکان ارتباط در حالت عام و حکمروایی خوب در حالت خاص خواهد گذاشت. با این تفسیرها فرضیه دوم نیز اثبات می‌گردد.

فرضیه سوم: بر طبق جدول (۳) مشخص می‌گردد که در بین سه شاخص اعتماد اجتماعی (عمومی و نهادی)، عقلانیت غیر ابزاری و نگرش انتقادی، شاخص اعتماد اجتماعی (عمومی و نهادی)، دارای بالاترین ضریب همبستگی با مقدار (۰/۷۴۳) می‌باشد و نشان‌دهنده این مطلب است که ضریب ارتباط آن با کیفیت برقراری حکمروایی خوب بالاتر از دو شاخص دیگر است. همچنین جدول (۴) نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی) با سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق یعنی کیفیت برقراری حکمروایی خوب داشته است. چرا که مقدار (β) آن (۰/۸۱) می‌باشد. با این تفسیرها فرضیه سوم نیز اثبات می‌گردد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، رهیافت حکمروایی خوب محصول دورانی موسوم به مدرن می‌باشد. پس جهت به کارگیری در شهرها، فضایی را خواستار است که اولاً شیوه اداره و مدیریت آن به صورت مدرن و با خصوصیات خاص آن باشد. ثانیاً نحوه ارتباطات و کنش‌های افراد آن نیز به صورت مدرن و منطبق با عصر روشنگری باشد. با مطالعات صورت گرفته مشخص شد که در شهر بندرترکمن فضای لازم جهت به کارگیری رهیافت حکمروایی خوب منطبق با دوران مدرن نبوده و فراهم نمی‌باشد. به طوری که نحوه اداره و مدیریت شهری در این شهر هنوز بر پایه شیوه‌های دوران ماقبل مدرن می‌باشد. در حالی که، رهیافت حکمروایی خوب شیوه‌های مدرن را طلب می‌کند. همچنین فضای ارتباطی در شهر بندرترکمن نیز بر طبق نظریات هابرماس با دوران مدرنیته یا سرمایه‌داری متأخر منطبق می‌باشد. مشاهده می‌شود که هم شیوه اداره و هم فضای ارتباط در شهر بندرترکمن با زمانه‌ای که باعث مطرح شدن رهیافت حکمروایی خوب در مجامع بین‌المللی

شد، دارای فاصله و عدم انطباق می باشد که به علت همین عدم انطباق در مرحله اجرا نیز ناموفق خواهد بود چون این رهیافت در اثر فرآیندهایی که زاییده فضای حاکم بر دوران مدرن است به وجود آمده است. ولی، فضای حاکم بر اداره و مدیریت شهری، ارتباطات و کنش های بین افراد در شهر بندرترکمن، با دوران مدرن انطباقی ندارد. موارد فوق در شکل (۳) عنوان شده است.

شکل (۳): وضعیت زمینه های به کارگیری رهیافت حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن

<p>شیوه اداره شهر بندرترکمن:</p> <p>۱- حکمرانی به جای حکمروایی</p> <p>۲- ضعف در شفافیت، پاسخگویی و قانونمداری</p> <p>۳- اعتقاد ضعیف به مشارکت شهروندان</p> <p>۴- ساختار متمرکز و از بالا به پایین</p> <p>۵- نبود زمینه های لازم جهت نگرش انتقادی</p>	<p>فرآیندهایی مانند: بازنگری در مفهوم توسعه، دموکراتیزه کردن دولتها، تمرکززدایی، توجه به نقش مشارکت مردم و جامعه مدنی، بازنگری در تقسیم قدرت در جوامع و... که منجر به مطرح شدن شیوه های نوین اداره شهرها نظیر حکمروایی خوب شد.</p>	<p>فضای ارتباطات و تعاملات در شهر بندرترکمن:</p> <p>- ضعف اعتماد به خصوص در بعد نهادی</p> <p>- رواج ارتباطاتی با خصیصه عقلانیت ابزاری و استراتژیک</p> <p>- ضعف کنش هایی با خصیصه عقلانیت ارتباطی</p> <p>- نبود زمینه های لازم جهت نگرش انتقادی</p>
ماقبل مدرن	مدرن	مدرنیته یا سرمایه داری متاخر

(منبع: مطالعات نگارندگان)

شکل فوق نشان می دهد که جهت به کارگیری رهیافت حکمروایی خوب در شهر بندرترکمن باید شیوه اداره شهر حالتی مدرن به خود گیرد. همچنین کنش ها و تعاملات افراد نیز منطبق با عصر مدرن و روشنگری باشد. و اگر بپذیریم که آن چه عصر مدرن را از سایر اعصار متمایز می کند، حضور و کارکرد عقلانیت است (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵: ۷). پس می توانیم بگوییم جهت گذار به مدرنیته و به طبع آن زمینه سازی جهت به کارگیری شیوه های مدرن اداره شهر به مانند حکمروایی خوب، لزوم بازنگری در کنش ها و تعاملات و برقراری آنها بر اساس عقلانیت ارتباطی به شدت احساس می گردد. در خاتمه می توان گفت رهیافت حکمروایی خوب شهری نوعی رمانتیسم فلسفی یا ارمغان تفکری غیر واقع بینانه و آرمان شهرگرایانه نیست؛ بلکه، متفاوت از رهیافت های مرسوم مدیریت شهری و شهرداری گرایبی که عمدتاً بر مبنای عقلانیت ابزاری و مالکیت خصوصی شهروندان قرار دارد از رهگذر عقلانیت ارتباطی آنها و متشکل بر بنیان سرمایه اجتماعی به وجود می آید (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸).

فهرست منابع

- ۱- اسدی، ایرج (۱۳۸۲): برنامه ریزی و مدیریت شهری از قلمرو علم تا میدان سیاست (گفت و گو با علی مدنی پور)، ماهنامه شهرداریها، سال پنجم، شماره ۵۷.
- ۲- اسماعیل زاده، حسن (۱۳۹۱): حکمروایی خوب، راه چاره تحقق شهر خوب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۸.
- ۳- اطهاری، کمال (۱۳۸۶): حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره نوزدهم و بیستم.
- ۴- افتخاری، رکن الدین و جانعلی بهزادنسب (۱۳۸۳): برنامه ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه ریزی با تاکید بر برنامه ریزی توسعه روستایی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱.
- ۵- ایمانی جارجرمی، حسین (۱۳۸۲): حکمروایی شهری و پژوهش شهری، فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۵-۱۶.
- ۶- پورمحمدی، محمدرضا، کریم حسین زاده دلیر و عیسی پیری (۱۳۸۹): حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی - فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی مطالعه موردی: کلان شهر تبریز، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول.
- ۷- تقوایی، علی اکبر و رسول تاجدار (۱۳۸۸): درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳.
- ۸- جعفری، عباس (۱۳۶۸): نقشه خوانی گیتا شناسی؛ چاپ سوم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۹- دربان آهسته، علیرضا و محمدرضا رضوانی (۱۳۹۱): تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی؛ مطالعه موردی: شهرستان قزوین، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره های ۲۸-۲۹.
- ۱۰- رهنمایی، محمد تقی و مهناز کشاورز (۱۳۸۹): بررسی الگوی حکمروای خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره اول.
- ۱۱- سلطانی، علی و احمدعلی نامداریان (۱۳۹۰): تحلیل نقش فضاها شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین پارادایم ارتباط، فصلنامه باغ نظر، شماره هجدهم، سال هشتم.
- ۱۲- شفق، سیروس، اصغر ضرابی، رحیم بردی آنامرادنژاد (۱۳۸۳): روند تحولات جمعیت بندرترکمن طی سال های ۷۵-۱۳۳۵ و افق آینده آن؛ مجله جغرافیا و توسعه، سال ۲، شماره ۳، تابستان ۸۳.

- ۱۳- صادقی، مجتبی و محمدرحیم رهنما (۱۳۹۲): تبیین ساختاری- کارکردی مدیریت مشارکتی شهری، مطالعه موردی: شهر مشهد، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱.
- ۱۴- ضرابی، اصغر و مهري اذانی (۱۳۸۰): توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه، آموزش جغرافیا، سال شانزدهم، شماره ۵۹.
- ۱۵- عالم، عبدالرحمن و علی پورپاشا کاسین (۱۳۹۰): دموکراسی گفتگویی هابرماس: رابطه یا نسبت عامل ها، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱.
- ۱۶- عباسپور، ابراهیم (۱۳۹۰): بررسی روش شناسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس با رویکرد انتقادی، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، صص ۳۵-۶۴.
- ۱۷- عبدالهیان، حمید و سیده زهرا اجاق (۱۳۸۵): بومی کردن نظریه کنش ارتباطی برای تحلیل فرآیند توسعه و مدرنیته در ایران، مجله جهانی رسانه، نسخه فارسی، شماره ۱.
- ۱۸- علوی زاده، سیدمحمدامیر (۱۳۸۶): الگوهای توسعه اقتصادی- اجتماعی با تأکید بر توسعه روستایی در ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۶.
- ۱۹- علیخواه، فردین (۱۳۷۸): کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۰-۱۳۹.
- ۲۰- فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸): فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۲۱- م حمدی ماکرانی، حمید (۱۳۸۶): کاربرد نظری کنش ارتباطی یورگن هابرماس در شهرسازی: موافقان و مخالفان، صفة، سال شانزدهم، شماره ۴.
- ۲۲- نقیب زاده، میرعبدالحسین و رضاعلی نوروزی (۱۳۸۸): تحلیلی بر اهداف تربیت اخلاقی و اجتماعی از دیدگاه هابرماس با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۳۷، شماره اول.
- ۲۳- نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۸): نفت، بخش پیشرو در توسعه نامتوازن ایران، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲.
- ۲۴- نودری، حسین علی (۱۳۸۶): بازخوانی هابرماس، چاپ دوم، تهران، نشر چشمه.

25- Bhuiyan, S (2011) : **Transition Towards a Knowledge-Based Society in Post-Communist Kazakhstan: Does Good Governance Matter?, Matter? Matter?** Journal of Asian and African Studies, Vol. 46, N. 4.

26- Garcia, M (2006) : **Citizenship practices and urban governance in European cities**, Urban Studies, Vol. 43, No. 4.

27- Jones, B & Bull, A (2006) : **Governance and Social Capital in Urban Regeneration: A Comparison between Bristol and Naples**, Urban Studies, Vol. 43, No. 4.

- 28- Kardos, M (2012) : **The reflection of good governance in sustainable development strategies**, 8th International Strategic Management Conference, Procedia - Social and Behavioral Sciences 58.
- 29- Mafunsia, M (2004) : **The role of civil society in promoting good governance in the Republic of South Africa**, *International Review of Administrative Sciences*.vol. 70, No. 3.
- 30- Roberts, M, Wright, S, Oneill, Ph (2007): **Good governance in the Pacific?** Ambivalence and possibility, *Geoforum*. 38.
- 31-heng, Y (2010) : Good urban governance in southeast asia, *Environment and Urbanization Asia*, 1 (2).
- 32-aheduzzaman & Mphande (2012) :**Gaps in Participatory good governance : Bangladesh context**, *Administration & Society* ,XX(X).